

بررسی و تحلیل جنبش ۲۰۱۱ بحرین بر اساس الگوی آسیب‌شناسی

بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

محمدصادق نصرت‌پناه* مهدی امیدی** علیرضا بیگی***

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳

چکیده

این مقاله درصدد است بر اساس «الگوی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری» به تحلیل جنبش ۱۴ فوریه‌ی بحرین بپردازد. در این الگو با محوریت اندیشه‌ها و بیانات مقام معظم رهبری، مؤلفه‌های مؤثر بر آسیب‌شناسی جنبش‌های بیداری اسلامی با تکیه بر عناصر موفقیت انقلاب اسلامی ایران مورد تأکید است. این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مصاحبه نخبگانی تدوین شده، بر این باور است که با تطبیق محورهای شش‌گانه‌ی آسیب‌شناسی مستخرج از این الگو - که شامل آسیب‌ها و خطرات درونی برای «رهبری و شبکه نخبگانی»، «ایدئولوژی»، «مردم» و آسیب‌های بیرونی در راهبردهای سه‌گانه‌ی «ترفند فرصت‌طلبی»، ارائه «بدیل‌های انحرافی» و «ناامید کردن مردم و پشیمان کردن مبارزان» با جنبش ۱۴ فوریه بوده - چنین نتیجه‌ای برداشت می‌شود که ضعف جدی در محور رهبری این جنبش، عامل اصلی به طول انجامیدن این جنبش شده است؛ بدین صورت که ضعف در محور رهبری به عنوان یکی از آسیب‌های درونی، موجب تشدید دیگر آسیب‌های درونی و تقویت آسیب‌های بیرونی جهت دخالت بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای همچون امریکا و عربستان سعودی شده است. در پایان، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آسیب درونی ایدئولوژی و آسیب بیرونی ناامید و پشیمان کردن مردم از پیروزی جنبش، کمترین میزان تطبیق با الگوی مذکور را داشته است.

کلیدواژه‌ها: بحرین، بیداری اسلامی، جنبش ۱۴ فوریه، انقلاب ۲۰۱۱ بحرین، مقام معظم

رهبری.

Nosratpanah@isu.ac.ir

* استادیار، علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران

Mahdi.omidi1@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق^(ع)، تهران، ایران

A.r.beygi20@gmail.com

مقدمه

از نیمه دوم سال ۱۳۸۹، در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال افریقا سلسله قیام‌هایی تحت عنوان بیداری اسلامی توسط مردم علیه حکومت‌های اقتدارطلب و مستبد صورت پذیرفت و موجب تحولات بسیاری همچون تغییر نظام در تونس، مصر و لیبی شد. بعضی از این قیام‌ها همچون جنبش مردم بحرین به سرانجام نهایی خود نرسید و توسط برخی بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای با ابزارهای سخت و نرم، مدیریت یا حتی سرکوب شد. بر این اساس می‌توان آسیب‌ها و آفت‌های این جنبش‌ها را از مسائل مطرح و حائز تأمل در خصوص قیام‌های بیداری اسلامی دانست.

در بستر تحولات بیداری اسلامی، جنبش ۱۴ فوریه بحرین نیز در سال ۲۰۱۱ با مطالبه‌ی اصلاح‌طلبی از نظام حاکمیتی بحرین آغاز شد و پس از خلف وعده‌های مکرر نظام بحرین و سرکوب شدید تجمعات مردمی از سوی نیروهای امنیتی آل خلیفه، این جنبش به سوی گزینه انقلاب با هدف سرنگونی نظام تمایل یافت. بعضی از گروه‌ها و جمعیت‌های سیاسی همچون «جمعیه‌ی الوفاق الوطنی الاسلامی» و «جمعیه‌ی العمل الوطنی الیدمقراطیه»، با وجود عدم پاسخگویی آل خلیفه به خواسته‌های مردم و سرکوب تظاهرات مردم توسط نیروهای نظامی، همچنان گزینه اصلاحات نظام را مناسب‌ترین گزینه می‌دانستند. این در حالی بود که بعضی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی تازه تأسیس همچون جنبش «الحریات و الیدمقراطیه»، جریان «الوفاء الإسلامی» و جنبش «احرار البحرین الإسلامیه» و ائتلاف «شباب ثورة ۱۴ فبرایر»، گزینه‌ی انقلاب برای سرنگونی نظام را شایسته‌ترین روش برای تغییر وضع موجود معرفی می‌کردند. اختلاف‌نظر گفتمان‌های سیاسی شیعی و سنی بحرین پیرامون گزینه‌های اصلاحات یا انقلاب، موجب فرسایشی شدن فرجام مطالبات مردمی این کشور شد.

در این پژوهش تلاش شده است تا با استفاده از «الگوی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری» (ر.ک: نصرت‌پناه و امید، ۱۳۹۶)، جنبش ۱۴ فوریه بحرین مورد مذاقه قرار گیرد و با آسیب‌شناسی این جنبش در سال ۲۰۱۱، علل به طول انجامیدن آن بررسی شود.

این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و

مصاحبه نخبگانی تدوین شده، بر این باور است که محورهای آسیب‌های بیرونی و درونی مستخرج از الگوی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، با جنبش ۱۴ فوریه بحرین مطابقت دارد. از میان محورهای آسیب‌شناسی، «آسیب‌های درونی حوزه رهبری و شبکه‌ی نخبگانی» بیشترین تأثیر را در به طول انجامیدن جنبش ۱۴ فوریه بحرین و عدم نتیجه بخشی آن داشته است.

عدم یکپارچگی حول محور رهبری و عدم شبکه‌ی نخبگانی منسجم، مهم‌ترین آسیب جنبش ۱۴ فوریه بحرین شمرده می‌شود، چراکه اختلاف میان رهبران مردمی جنبش ۱۴ فوریه، در عرصه‌ی نظر سبب اختلاف میان مردم شد و در عرصه‌ی عمل، زمینه‌ی مساعد برای سوءاستفاده و دخالت بازیگران بیرونی را فراهم کرد.

مفهوم‌شناسی

فهم معنای واژگان «بیداری اسلامی» و «جنبش ۱۴ فوریه» و بررسی حدود و ثغور مفهومی آنها در بستر شکل‌گیری اجتماعی و فرهنگی خود لازم است، چرا که بدون توجه به بار معنایی و اندوخته‌های فرهنگی و تمدنی این واژه‌ها نمی‌توان درک صحیحی از آنها حاصل کرد.

بیداری اسلامی

واژه‌ی بیداری اسلامی نوعی ارتباط مفهومی و اشتراک معنوی با مقوله‌هایی مانند: اصلاح دینی، احیای دینی و اسلام‌گرایی دارد. در زبان عربی معاصر نیز با تعبیر گوناگونی مانند: الصحوة الاسلامیة، البعث الاسلامی، الحركة الاسلامیة و الیقظة الاسلامیة نام برده می‌شود. اگرچه تعریف مشخصی از مفهوم بیداری اسلامی که میان اندیشمندان و نظریه‌پردازان مورد اجماع باشد، صورت نگرفته است، اما به هر صورت فهم درست بیداری اسلامی نیازمند آگاهی مناسبی از آموزه‌های اسلامی و درکی درونی از جامعه‌ی مسلمانان و انبوهی از پیوندها و عوامل است (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۹).

در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، بیداری اسلامی مفهومی نامشخص، مبهم، قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضای منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا را انباشته و قیام‌ها و انقلاب‌های بزرگی را علیه حکومت‌های وابسته و نامشروع پدید آورده است. با این حال، صحنه‌ی جنبش‌های بیداری اسلامی همچنان سیال و نیازمند

شکل دادن و به سرانجام رساندن است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶). لذا درک و تعریف این واژه در هر صورت، نیازمند تدقیق جدی است.

واژه‌ی «بیداری اسلامی» برای اولین بار از طرف مقام معظم رهبری ابداع گشت و برای قیام‌های منطقه به کار برده شد. تعریف بیداری اسلامی از سوی خود ایشان، این‌گونه بیان شده است:

«بیداری اسلامی یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیام‌ها و انقلاب‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه‌ی شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران نموده و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهور ساخته است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

در بیان مقام معظم رهبری، بیداری اسلامی با هدف کرامت دادن به مردم منطقه اتفاق افتاده و این کرامت از سنخ همان عزت و کرامتی است که یکی از پایه‌های دعوت پیغمبر بوده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۹). ملت‌های مسلمان که طی سال‌های متمادی، توسط دشمنان، مستکبران، اشغالگران و مداخله‌گران استثمار و تحقیر شده بودند، با بهره‌گیری از تعالیم اسلام به دنبال عزت و کرامت خود برآمدند که این امر، بیداری اسلامی را شکل داد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۹).

جنبش ۲۰۱۱ بحرین (۱۴ فوریه)

اگرچه بسیاری از کارشناسان، آغاز جنبش ۲۰۱۱ مردم بحرین را به سبب پیروزی انقلاب‌های تونس، مصر و لیبی می‌دانند، اما باید به این مسأله توجه داشت که یک سال قبل از آغاز انقلاب تونس، نشست‌هایی از سوی رهبران مردمی بحرین، جهت مطالبه‌گری از نظام حاکمیتی بحرین در لندن، کربلا، نجف و بحرین برگزار شد (الصالح، ۱۳۹۶/۷/۱۳).

بنابراین نمی‌توان بدون توجه به عوامل و اوضاع داخلی بحرین، انقلاب کشورهای تونس، مصر و لیبی را علت تامه آغاز جنبش ۱۴ فوریه بحرین نامید، زیرا جنبش ۱۴ فوریه بحرین، ادامه خیزش‌های مردمی طی تاریخ این کشور است که زمینه‌های آن، با ورود آل خلیفه به بحرین ایجاد شد و در دهه نود تحقق یافت (بی‌نا، ۲۰۱۶: ۲۵) و با شکل‌گیری موج بیداری

اسلامی در کشورهای اسلامی اوج گرفت و خود عاملی پویا در سلسله خیزش‌های عزت‌طلبی و کرامت‌خواهی علیه استبداد داخلی و استکبار خارجی شد. به عبارت دیگر باید توجه داشت که جنبش بحرین از لحاظ ماهیت، همانند تحولات کشورهای منطقه همچون تونس، مصر و لیبی از دو عنصر اساسی «مردمی بودن» و «سمت و سوی دینی داشتن» بهره‌مند بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱) که در آن حقوق اولیه مردم، یعنی حق رأی و نقش‌آفرینی در تشکیل دولت و حکومت پیگیری می‌شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۱۴).

مردم بحرین به طور میانگین در هر دهه، خیزش و قیامی در جهت احقاق حقوق معوقه خود ایجاد کرده‌اند که تبدیل به جنبش‌های مردمی در این کشور شده است (نوروزی، ۱۳۹۵/۱۱/۱۰). حدود یک ماه و نیم پیش از آغاز جنبش ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، عده‌ای از جوانان ناشناس بحرینی از طریق اینترنت، مردم بحرین را جهت اعتراض به وضع موجود، به حضور در خیابان‌ها در ۱۴ فوریه دعوت کردند (الراشد، ۱۳۹۶/۶/۱۵، العکری، ۲۰۱۲: ۷).

تاریخ ۱۴ فوریه روز بسیار مهمی برای مردم و دولت بحرین است. با این توضیح که در ۱۴ فوریه سال ۲۰۰۰، ملک حمد از طرح اصلاحات سیاسی ذیل منشور اقدام ملی، موسوم به «میثاق العمل الوطنی» سخن به میان آورد. منشور اقدام ملی به عنوان اولین گام اصلاحاتی وی به شمار می‌رفت (حاتمی، ۱۳۹۲: ۶). در تاریخ ۱۴ فوریه ۲۰۰۱ مردم بحرین در همه‌پرسی منشور اقدام ملی شرکت کرده و آن را پذیرفتند و در ۱۴ فوریه سال ۲۰۰۲، با تصویب یک‌جانبه قانون اساسی جدید، این منشور از سوی نظام نقض شد (المرشد، ۲۰۰۶: ۷۴، ۷۶، ۸۷). از این رو در سال ۲۰۱۱ نیز این تاریخ جهت خروج به خیابان‌ها انتخاب شد.

بحرین پس از جنبش ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، شاهد تظاهراتی بی‌سابقه با حضور بیش از ۶۰۰ هزار تن از مردم بود (شبکه خبری سی ان ان^۱، ۲۰۱۱). این تظاهرات با مقابله نظامی نیروهای حکومت مواجه شد و به دنبال آن چند شهید و ده‌ها زخمی بر جای گذاشت. پیکر این افراد احساسات را شعله‌ور ساخت و تشییع‌کنندگان در ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ به سوی میدان لولو راهی شدند و در آنجا اعتصابات و اعتراضات گسترده و بی‌سابقه‌ای را در تاریخ بحرین ایجاد کردند.

در طول مدت ۱۴ فوریه تا ۱۵ مارس ۲۰۱۱، بحرین شاهد چالش وسیع و خطرناکی بود که در آن اکثر مردم بحرین مشارکت داشتند (بی‌نا، ۲۰۱۴: ۲۲۸). بعضی از مهم‌ترین ویژگی‌های این جنبش به شرح ذیل است:

۱. عدم حمایت کشورهای خارجی از جنبش مردمی
۲. مشارکت طوایف و مذاهب مختلف در جنبش
۳. حضور پررنگ جوانان
۴. استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی
۵. حضور پررنگ زنان و دختران
۶. دخالت نیروهای خارجی در سرکوب تحولات داخلی
۷. نقش فعال رسانه‌های ملی و همسو با نظام بحرین، جهت سانسور حوادث جنبش

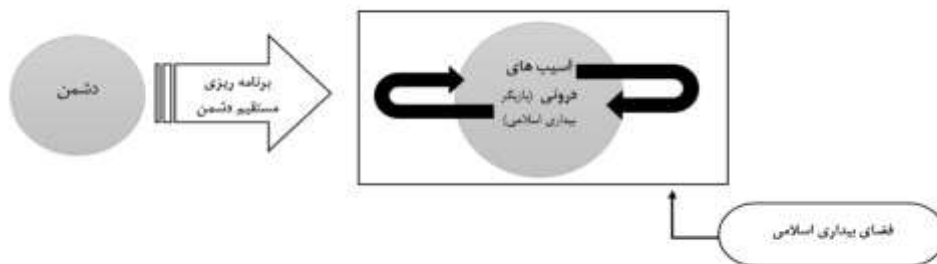
چارچوب نظری

به منظور بررسی و آسیب‌شناسی جنبش ۱۴ فوریه‌ی بحرین، شیوه‌ای که در این پژوهش در پیش گرفته شده، استفاده از «الگوی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری» است (ر.ک: نصرت‌پناه و امیدی، ۱۳۹۶). بر اساس این الگو آسیب‌های جنبش‌های بیداری اسلامی شامل مواردی چون: جنگ‌های داخلی، عصبیت‌های کور دینی و مذهبی، بی‌ثباتی‌های سیاسی، رواج تروریسم، ظهور گروه‌ها و جریان‌های افراط‌گر است که از سوی سرویس‌های امنیتی و عوامل حکومتی همدست با کشورهای غربی، در زمینه‌های مستعد داخلی کشورها امکان وقوع می‌یابد.

این عوامل می‌تواند بیداری اسلامی را عقیم و آمادگی‌های روحی پدید آمده در دنیای اسلام را ضایع کرده و مجدداً ملت‌های مسلمان را به رکود، انزوا و انحطاط بکشاند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۷/۲۲). لذا در این الگو، آسیب‌های بیداری اسلامی مجموعاً ناشی از ضعف‌های درونی کشورهای منطقه و برنامه‌ریزی مستقیم دشمنان است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶). بر این اساس در بیداری اسلامی در گفتمان مقام معظم رهبری، خطرات و آسیب‌های جنبش‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ آسیب‌های ناشی از ضعف‌های جبهه خودی و به تعبیر دیگر بازیگران داخلی و آسیب‌های ناشی از برنامه‌ریزی مستقیم دشمن و بازیگران بیرونی (خیامی،

۱۳۹۲: ۵۹).

در الگوی ترسیم‌شده در نمودار زیر، آسیب‌ها و تهدیدهای فضای بیداری اسلامی و جنبش ۲۰۱۱ بحرین بر اساس بازیگران داخلی و خارجی قابل مشاهده است:



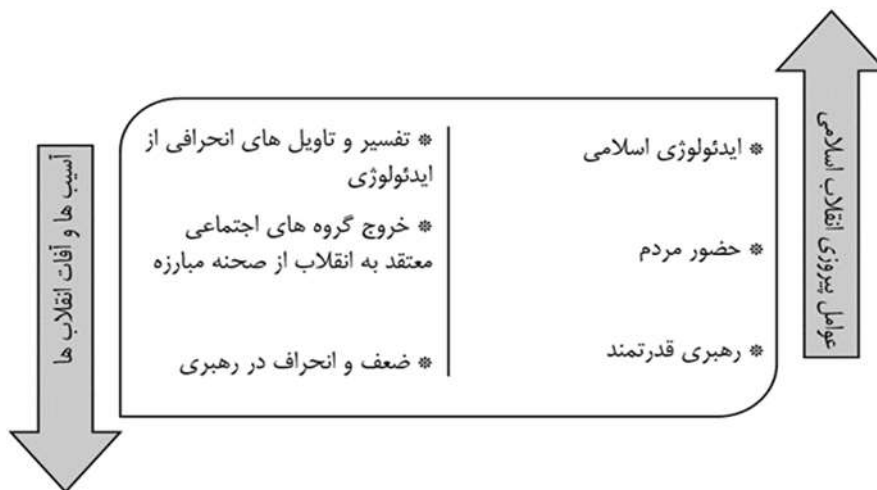
شکل ۱. آسیب‌های بیداری اسلامی از «ناحیه‌ی درونی» و از طرف «برنامه‌ریزی مستقیم دشمن»

اثرات و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری، محدود به جغرافیا و مرزهای داخلی ایران نبود و در صحنه‌ی بین‌المللی، بخصوص در جهان اسلام و غرب آسیا جنبش‌ها و جریان‌های گوناگونی را تحت‌تأثیر قرار داد. به همین دلیل جریان بیداری اسلامی رابطه‌ی مستقیمی با انقلاب اسلامی ایران برقرار نمود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۲۲).

علاوه بر بازتابی که انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی داشته است، عوامل پیروزی این انقلاب هم می‌تواند به عنوان عواملی که عدم وجود آنها زمینه‌ساز آسیب و آفت‌های حرکت‌های بیداری اسلامی است، مورد استفاده قرار گیرد. پس لازم است ابتدا مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران را که موجب استقرار جمهوری اسلامی ایران شد، مورد احصاء قرار داده و سپس به حرکت‌های بیداری اسلامی تطبیق داده شود تا مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی قرار گیرند (نصرت‌پناه و امیدی، ۱۳۹۶: ۲۵).

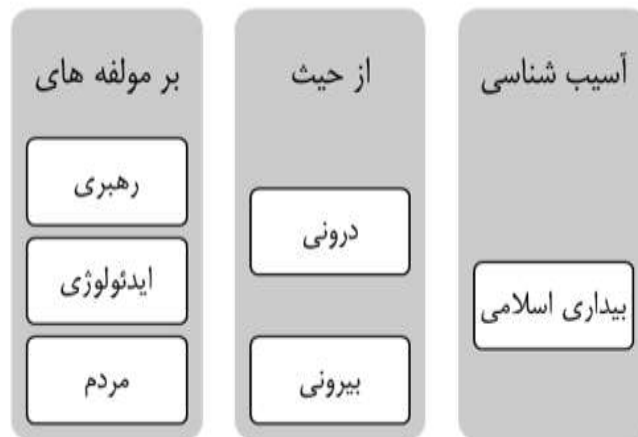
تحلیل اصولی در خصوص علل و عوامل سقوط رژیم پهلوی یا پیروزی انقلاب اسلامی آن است که بتوان در میان انبوه علل و عوامل متعدد، علت یا علل اصلی و تعیین‌کننده و دست اول را - که عوامل دیگر از آنها ناشی می‌شود - یافت و اگر علت‌العللی وجود دارد، آن را با دلایل، قرائن و شواهد تاریخی به طور مستند ارائه داد (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۵۷۱-۵۷۲).

در یک مقایسه اجمالی و نگاه تطبیقی نسبت به انقلاب‌های بزرگ دنیا در قرن اخیر، ملاحظه می‌شود که حضور هم‌زمان و کامل سه رکن اصلی و مهم انقلاب یعنی مردم، رهبری و ایدئولوژی در انقلاب اسلامی ایران موجب به ثمر نشستن آن شده است (محمدی، ۱۳۶۵: ۸۲-۱۱۳). لکن به نظر می‌رسد این عوامل قابل تعمیم بوده و نبود هر یک از آنها می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌پذیری و آفات هر انقلابی محسوب شود و منجر به انحراف (استحاله) تا فروپاشی (زوال) گردد.



شکل ۲. عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آسیب‌ها و آفات انقلاب‌ها

همان‌طور که بیان شد، بر حسب الگوهای مذکور، آسیب‌های بیداری اسلامی ناشی از دو قسم ضعف‌های جبهه خودی (از درون) و برنامه‌ریزی مستقیم دشمن (از بیرون) است. همچنین در این الگو مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی، رهبری، ایدئولوژی و مردم معرفی شده‌اند که نبودشان در جریان بیداری اسلامی، زمینه‌ساز آسیب و آفات‌های بسیاری است. لذا می‌توان از ترکیب این دو مجموعه به چارچوبی رسید که بیداری اسلامی را از منظر انقلاب اسلامی ایران در شش محور کلی مورد آسیب‌شناسی قرار داد (نصرت‌پناه و امیدی، ۱۳۹۶: ۲۸):



شکل ۳. آسیب‌های بیداری اسلامی از حیث درونی و بیرونی با توجه بر مؤلفه‌های رهبری، ایدئولوژی و مردم

محصول شکل شماره ۳، محورهای شش‌گانه‌ی آسیب‌شناسی ذیل می‌شود:

۱. آسیب‌های درونی برای رهبری و شبکه‌نخبگانی در بیداری اسلامی
۲. آسیب‌های درونی برای ایدئولوژی در بیداری اسلامی
۳. آسیب‌های درونی برای مردم در بیداری اسلامی
۴. آسیب‌های بیرونی برای رهبری و شبکه‌نخبگانی در بیداری اسلامی
۵. آسیب‌های بیرونی برای ایدئولوژی در بیداری اسلامی
۶. آسیب‌های بیرونی برای مردم در بیداری اسلامی

آسیب‌های درونی بیداری اسلامی

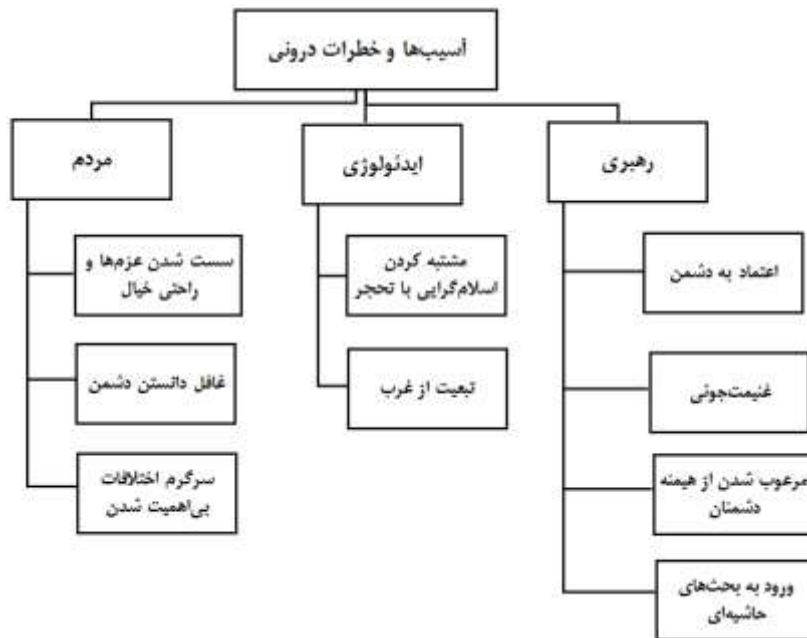
طبق این الگو، در حوزه‌ی آسیب‌های درونی می‌توان محورهای ذیل را از منظر مقام معظم رهبری این‌گونه تشریح کرد:

محور اول، آسیب‌های درونی برای رهبری و شبکه‌نخبگانی در بیداری اسلامی است که شامل مواردی همچون «غنیمت‌جویی»، «مرعوب شدن از هیمنه دشمنان»، «اعتماد به دشمن» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶) و «ورود به بحث‌های حاشیه‌ای مذهبی، قومی و سلیقه‌ای» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۹) می‌شود. محور دوم، آسیب‌های درونی برای ایدئولوژی در

بیداری اسلامی است که به «مشتبه کردن اسلام‌گرایی با تحجر» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۱۱؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶؛ آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۴) و «تبعیت از غرب» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹) تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، انتخابات تونس و مصر و شعارها و رویکردهای مردم یمن و بحرین و سایر سرزمین‌های عربی نشان می‌دهد که «مسلمان معاصر» بدون افراط خشک‌سرانه و تفریط غربگرایانه، دنبال ترکیب «معنویت»، «عدالت» و «عقلانیت»، با روش «مردم‌سالاری دینی» است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

محور سوم نیز آسیب‌های درونی برای مردم در بیداری اسلامی را بیان می‌کند که فرصت حضور و انسجام مردم از طریق «سست شدن عزم‌ها و راحتی خیال»، «غافل دانستن دشمن» و «سرگرم اختلافات بی‌اهمیت شدن» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶)، تبدیل به تهدیدی برای نهضت‌های بیداری اسلامی می‌شود.

مجموعه آسیب‌ها و خطرات درونی بیداری اسلامی، در قالب نمودار ذیل قابل مشاهده است (نصرت‌پناه و امیدی، ۱۳۹۶: ۳۶):



شکل ۴. آسیب‌ها و خطرات درونی بیداری اسلامی

آسیب‌های بیرونی بیداری اسلامی

منطبق با الگوی اشاره شده در حوزه‌ی آسیب‌های بیرونی، مقام معظم رهبری در بیاناتشان، سه محور را که همگی مربوط به آسیب‌های ناشی از برنامه‌ریزی مستقیم دشمنان بوده، به شرح ذیل بیان کردند:

محور اول، آسیب‌های بیرونی برای رهبری و شبکه‌ی نخبگانی در بیداری اسلامی تحت راهبرد اول دشمن، یعنی «حفظ هرم قدرت» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶) از طریق «ترفند فرصت‌طلبی» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱) است. محور دوم برای ایدئولوژی در بیداری اسلامی، شامل سه تاکتیک «اسلام‌ستیزی»، «خشونت علنی» و «بدل‌سازی» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) ذیل راهبرد ارائه‌ی «بدیل‌های انحرافی» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶) صورت می‌پذیرد و در نهایت محور سوم، آسیب‌های بیرونی برای مردم در بیداری اسلامی است که مبتنی بر آن دشمن به دنبال ناامید کردن مردم و پشیمان کردن مبارزان (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶) در دو قالب «اختلاف‌افکنی» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹) و «گسیل کردن مزدوران» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵) است.

این سه محور را می‌توان در سیری راهبردی به این صورت توضیح داد که دشمنان ابتدا برای حفظ هرم اصلی قدرت توسط مهره‌های وابسته و متعهد به خود تلاش می‌کنند. در صورت مقاومت مردم، راهبرد دوم که همان ارائه‌ی بدیل‌های انحرافی و تثبیت مدل‌های نوسازی شده‌ی غربی است، در پیش گرفته می‌شود. اگر از این دو راهبرد نتیجه‌ای حاصل نشود، شروع به نومید کردن مردم و مردم و پشیمان کردن مبارزان از طریق تاکتیک‌ها و ترفندهای سخت و نرم می‌کنند (نصرت‌پناه و امیدی، ۱۳۹۶: ۳۷). این راهبرد سه مرحله‌ای را می‌توان در قالب نمودار زیر نشان داد:



شکل ۵. موانع و تهدیدهای بیرونی بیداری اسلامی (راهبردهای سه‌گانه‌ی دشمنان برای آسیب‌رسانی به بیداری اسلامی)

الگو و چارچوب تحلیلی پیشنهادی

از ترکیب این دو مجموعه «آسیب‌ها و خطرات درونی» و «موانع و تهدیدهای بیرونی»، می‌توان به الگوی نهایی آسیب‌شناسی جنبش ۲۰۱۱ بحرین به شرح ذیل دست یافت (نصرت‌پناه و امیدی، ۱۳۹۶: ۳۸):



شکل ۶. الگوی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از حیث (آسیب‌ها و خطرات درونی) و «موانع و تهدیدهای بیرونی»

آسیب‌شناسی جنبش ۲۰۱۱ بحرین (۱۴ فوریه)

در ابتدا می‌بایست ذکر شود که در تحلیل و تطبیق پاره‌ای از محورهای ذکر شده در الگوی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی، ممکن است در جنبش ۱۴ فوریه مصادق مشخصی یافت نشود. عدم وجود بعضی مصادیق مذکور قابل پیش‌بینی است، چرا که جنبش ۱۴ فوریه بحرین جنبشی ناتمام بوده و نتوانسته است به تغییر نظام حاکمیتی بحرین منجر شود.

آسیب‌های درونی برای رهبری و شبکه نخبگانی

از مشکلات بنیادین جنبش ۱۴ فوریه که موجب به طول انجامیدن آن شد، عدم انسجام شبکه نخبگانی و رهبری جنبش است. رهبری معنوی مردم و گروه‌های سیاسی بحرین در

جنبش ۱۴ فوریه را آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم بر عهده داشتند. ایشان به دلیل اینکه سرنگونی نظام بحرین را امری دشوار و پیامدهای آن را بسیار نامطلوب می‌دانست، گزینه اصلاحات را به صلاح مردم دانست و آن را مدنظر قرار داد.

این نگرش آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، سبب نزدیکی جمعیت الوفاق و دیگر جریان‌های اصلاح‌طلب به ایشان شده بود، به گونه‌ای که بسیاری از مردم، ایشان را هوادار جمعیت الوفاق می‌دانستند. این در حالی است که برخی دیگر از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی بحرین همچون تیار الوفاء اسلامی به رهبری استاد عبدالوهاب حسین و برخی جریان‌های سیاسی دیگر همچون تیار العمل اسلامی، ائتلاف شباب ثورة ۱۴ فبرایر و حركة الحریات و الديمقراطية، نگرشی انقلابی داشته و خواهان سرنگونی نظام بودند.

این دو نگرش متفاوت سبب شد که جریان‌های انقلابی، در برهه‌ای از مواقع به روند اصلاح‌طلبی طرح شده از سوی شیخ عیسی قاسم اعتقاد نداشته و سرنگونی نظام را در پیش گیرند. این دو رهیافت متفاوت موجب اختلاف نظر میان شبکه نخبگانی انقلابی خواه و رهبر اصلاح‌طلب، و در نهایت دودستگی مردم شد (الدقاق، ۱۳۹۶/۷/۲۷).

الف) غنیمت جویی

در جنبش ۱۴ فوریه بحرین، غنیمت‌جویی به آن شکلی که در حوادث پس از انقلاب رخ می‌دهد، صورت نپذیرفت، زیرا هنوز انقلاب این کشور به سرانجام نرسیده است. با این وجود اقدامات بعضی از جریان‌ها و گروه‌های سیاسی در طول روند جنبش، خود به مثابه نوعی غنیمت جویی است. جمعیت شیعی «الرابطة الإسلامية» به رهبری «شیخ سلیمان المدنی» نمونه‌ای از این جریان‌های سیاسی است. جمعیت الرابطة الإسلامية به دلیل ارتباط نزدیک با نظام حاکمیتی بحرین، به جریان «الموالی»^۱ معروف است (العکری، ۲۰۱۲: ۵).

این جریان جهت نیل به بعضی امتیازات سیاسی همچون کرسی نمایندگی در مجلس، کرسی وزارتخانه‌ها، گسترش فعالیت‌های بازرگانی و غیره از جانب نظام بحرین، از همکاری با جنبش مردمی ۱۴ فوریه امتناع ورزید.

ب) نگرانی از هیمنه و سلطه دشمنان

۱. متمایل به نظام.

قدرت بالای نظامی و اقتصادی هم‌پیمانان نظام بحرین، یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش آیت‌الله شیخ عیسی قاسم و جمعیت الوفاق به روند اصلاحات به جای انقلاب است. وی گزینه اصلاحات را بر حسب مصلحت اندیشی مطرح ساخت. آیت‌الله شیخ عیسی قاسم بر این باور بود که ایالات متحده آمریکا، پادشاهی انگلستان، پادشاهی عربستان و امارات متحده عربی، به هیچ وجه اجازه پیروزی جنبش مردمی بحرین را نخواهند داد. ایشان معتقد بود با فرض پیروزی جنبش مردمی بحرین، به دلیل اکثریت بودن شیعه در ترکیب جمعیتی بحرین، نظام سیاسی شیعه برگزیده‌ی انتخابات مردمی خواهد شد و در صورت ایجاد حکومت اسلامی شیعه، بسیاری از جریان‌های وهابی عربستان سعودی به مجمع‌الجزایر بحرین حمله کرده و اقدام به قتل و کشتار نخبگان سیاسی و رهبران مردمی خواهند کرد. طبق این استدلال، ایشان گزینه اصلاحات و راضی شدن به ایجاد پادشاهی مشروطه را گزینه مناسب برای اکثریت مردم تلقی می‌کردند و در آن زمان، سرنگونی نظام و ایجاد حکومت شیعی را به مصلحت مردم بحرین نمی‌دانستند (الدقاق، ۱۳۹۶/۷/۲۷).

ج) اعتماد به دشمن

تجربه‌ی گفتگوهای گذشته‌ی رهبران و نخبگان مردمی بحرین با نظام حاکم، بی‌نتیجه بودن این شیوه برای حل مشکلات را نشان داده است. در گذشته نیز نخبگان و رهبران مردمی از نظام حاکمیتی درخواست گفتگو داشتند، اما نظام بحرین نپذیرفت (السندی، ۱۳۹۶/۵/۷). شیخ علی سلمان در سال ۲۰۰۶ دیداری با ولیعهد این کشور داشت که پس از بیان بعضی از مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این کشور، درخواست انجام اصلاحات کرد، اما هیچ تغییری حاصل نشد (سلمان، ۲۰۱۷: ۲۰۰).

با نزدیکی تحولات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا موسوم به بیداری اسلامی، پادشاه بحرین با برخی از شخصیت‌های برجسته دینی و اجتماعی شیعه بحرین به گفتگو پرداخت و در پی آن، وعده انجام بعضی اصلاحات سیاسی و اجتماعی را به آنان داد که در نهایت نیز محقق نشد (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۶۵). رهبران انقلابی‌خواه بحرین همچون استاد عبدالوهاب حسین، رهبر جریان وفاء اسلامی و برخی جمعیت‌های سیاسی اصلاح طلب همچون جمعیت أمل، نظام حاکمیتی بحرین را نظامی غیرقابل اعتماد دانسته و تأکید کردند که مردم خود بایستی

جهت احقاق مطالبات خود اقدام کنند (الصالح، ۱۳۹۶/۷/۱۳)، اما شیخ علی سلمان، دبیر کل جمعیت الوفاق، طی جنبش ۱۴ فوریه بحرین، گزینه گفتگو با نظام را مناسب‌ترین رویکرد جهت تحقق اصلاحات می‌دانست، لذا به گفتگو با نظام برخاست. اما به طول انجامیدن گفتگو با آل خلیفه، در نهایت موجب تجدید قوای نیروهای نظامی بحرین و عربستان و حمله به معترضان شد.

د) ورود به مباحث حاشیه‌ای، مذهبی و قومی

با اوج‌گیری جنبش ۱۴ فوریه، حکومت و دولت بحرین تلاش کرد تا حوادث موجود در کشور را اختلافات مذهبی شیعه و سنی نشان دهد (بی‌نا، ۲۰۱۲/۲/۲۸). در روز ۲۱ فوریه، نزدیک به ۱۰ هزار تن از طرفداران پادشاه و نظام که به «الموالمون»^۱ شهرت دارند، به موازات تحصن مخالفان نظام در میدان لولو،^۲ در مسجد «الفاتح» تجمع کرده و در حمایت از نظام آل خلیفه شعارهایی سر دادند (الجزیره نت، ۲۰۱۱/۲/۲۸). این گروه پس از برگزاری گردهمایی، «تجمع الوحدة الوطنية» نام گرفت. شیخ عبداللطیف المحمود که سردمدار این گروه بود، معترضان شیعه را «دعاه الطائفیه»^۳ خواند و مخالفان نظام را به تلاش جهت برخورد های خونین با نیروهای امنیتی متهم کرد.

شیخ عبداللطیف المحمود اعلام کرد این افراد درصدد ایجاد آتش فتنه میان طوایف مختلف کشور هستند (بی‌نا، ۲۰۱۲: ۲۰). این اقدام طرفداران تجمع الوحدة الوطنية نقطه آغاز ایجاد لباس شخصی‌های مسلح طرفدار نظام، موسوم به «البلطجیه - البلطجیون»^۴ شد.

بلطجیون با انجام اقدامات امنیت‌زدا و ایجاد اختلاف میان اهل سنت و شیعیان، گروه‌های مخالف نظام را عامل این اختلاف‌افکنی دانسته و آن را دستاویزی برای سرکوب اعتراضات مخالفان نظام قرار دادند. علاوه بر فعالیت‌های مستمر تجمع الوحدة الوطنية جهت انحراف جنبش ملی به اختلافات مذهبی، رسانه‌های دولتی بحرین و عربستان، به ویژه روزنامه «الشرق

۱. متمایلان به نظام.

۲. میدان اصلی بحرین توسط شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ در منامه احداث گردید و در سال ۲۰۱۱ به محل اصلی تجمع تظاهرات کنندگان مبدل گشت. نظام بحرین در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۱۱ این میدان را تخریب کرد.

۳. طرفداران فرقه‌گرایی.

۴. چماق به دستان.

الأوسط»، «الریاض» و «بحرین الیوم»، به صورت شبانه‌روزی تلاش کردند تا به اختلافات فرقه‌ای محوریت بخشند. (السندی، ۱۳۹۶: ۵۱؛ المحروس، ۱۳۹۵: ۳۰۶؛ المرشد، ۲۰۱۵: ۲۲۳؛ بی‌نا، ۲۰۱۲: ۲۰-۲۱، ۴۳۸؛ بشیر و تفرجی شیرازی، ۱۳۹۳: ۴، ۲۶).

فعالیت رسانه‌ای علیه شیعیان تنها به تحریف حوادث جنبش ۱۴ فوریه محدود نماند، بلکه رسانه ملی بحرین نیز در شبکه‌های تلویزیونی خود، به ویژه برنامه «الحوار المفتوح» به تمسخر لهجه، مذهب، عقاید و آداب و رسوم ساکنان بومی - قدیمی بحرین پرداخت که از شیعیان بودند. البته نظام بحرین از گذشته، جهت ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی به چنین اقداماتی متوسل می‌شد که با آغاز جنبش ۱۴ فوریه در سال ۲۰۱۱، این اقدامات به اوج خود رسید (بی‌نا، ۲۰۱۶: ۷۰-۷۱، ۷۷).

چنین اقداماتی از سوی نظام بحرین، از یک سو موجب برانگیختن موج اعتراضات شیعیان شد و از سوی دیگر مقابله‌ی برخی از اهل سنت را به همراه داشت. بسیاری از اهل سنتی که در این بازه زمانی به مقابله با گروه شیعیان برخاستند، عمدتاً از «المجنسین»^۱ بودند که توسط آل خلیفه به بحرین آورده شده و طبق اختیاری که پادشاه در اعطای تابعیت به بیگانگان دارد، تابعیت بحرینی به آنان داده می‌شد. این سیاست امروزه نیز همچنان دنبال می‌شود.

• آسیب‌های درونی برای ایدئولوژی

هدف از آسیب‌شناسی درونی ایدئولوژی جنبش ۱۴ فوریه این است که مسأله اسلام‌گرایی و آمیختگی آن با تحجر از یک سو و تبعیت از غرب از سوی دیگر تبیین شود. با این توضیح که اسلام‌گرایی در بحرین به معنای گرایش به تحجر نیست، بلکه اکثر افرادی که به اسلام‌گرایی

۱. المجنسین معمولاً اهل سنت متعصب کم‌سواد و عمدتاً بی‌سوادی هستند که از کشورهایی چون: پاکستان، افغانستان، اردن، بنگلادش، هندوستان، سوریه و بعضی از کشورهای افریقایی به بحرین آورده می‌شوند. آنان در مراکز نظامی همچون ارتش، گارد ملی، دستگاه‌های امنیتی و زندان‌های وزارت کشور و دیگر مراکز، چون مراکز آموزشی، پزشکی، مهندسی، هنری و مشاوره‌ای مشغول به کار هستند. این افراد از امکانات مناسبی همچون: مسکن، شرایط ازدواج و فرزندآوری گسترده، ضمانت شغلی و حقوق مکفی برخوردارند. هدف آل خلیفه از اعطای تابعیت به این افراد و فراهم کردن شرایط مطلوب زندگی برای آنان، افزایش درصد جمعیتی اهل سنت نسبت به شیعیان است، لذا از ازدواج و فرزندآوری آنان حمایت می‌کند (بی‌نا، ۲۰۱۶: ۹۶، ۱۳۶؛ بی‌نا، ۲۰۱۳: ۵-۹؛ الریس، ۲۰۰۹: ۴۱۱؛ المرشد، ۲۰۰۹: ۴۱۸-۴۱۹؛ زبدان، ۲۰۰۳: ۲؛ مؤمن، ۲۰۰۲: ۱، ۳، ۵؛ ربیع، بی‌تا: ۴۶؛ ربیع، بی‌تا: ۹-۱۵).

روی آوردند و در جنبش ۱۴ فوریه و ما قبل آن، مطالبات اسلامی و دینی سر دادند، از اکثریت شیعیانی بودند که در جامعه بحرین تحصیل‌کرده‌ترین قشر را تشکیل می‌دهند^۱ (صالح، ۱۳۹۶/۷/۱۳).

به عبارت دیگر، اکثر جمعیت ۶۰۰ هزار نفری در این جنبش از قشر تحصیل‌کرده هستند (شبکه خبری سی ان ان، ۲۰۱۱). همین امر سبب شد تا مطالبات اسلام‌خواهی اکثریت این جمعیت به تحجر میل نیابد. پس از آنکه حکومت بحرین به روش‌های مسالمت‌آمیز اکثریت اسلام‌گرایان بحرینی توجهی نکرد، عده‌ای از مردم و گروه‌های سیاسی بر انقلابی‌گری و تغییر نظام تأکید کردند، اما این به معنای گرایش به تحجر نیست، بلکه به معنای تغییر رویکرد نخبگان مردمی در مقابله با نظام بحرین است.

قانون اساسی بحرین به صراحت دین کشور را اسلام اعلام می‌دارد، این در حالی است که ساختار حاکمیتی بحرین نه تنها شیعیان را در فعالیت‌های مذهبی همچون برگزاری مراسم سخنرانی دینی، عزاداری محرم، برگزاری نیمه‌ی شعبان، شرکت در ماتم و مساجد، شرکت در تشییع پیکر شهدا و غیره در مضیقه قرار می‌دهد، بلکه از دهه ۹۰ تا کنون، مسلمانان به ویژه شیعیان را در برگزاری مراسم دینی در محدودیت قرار داده است (مرزوق، ۲۰۱۲: ۱۸۷؛ شمس‌الدین، ۲۰۱۲: ۵۳۰؛ بی‌نا، ۲۰۱۶: ۵، ۱۳، ۴۵، ۵۹، ۶۲، ۶۴، ۶۷، ۷۴؛ الصالح، ۲۰۱۵: ۸۹؛ المرشد، ۲۰۱۴: ۳۰-۳۱، ۲۷۹؛ عبدالکریم، ۲۰۰۶: ۲۸؛ الشهبانی، ۱۹۹۶: ۲۱۵). بازداشت روحانیون از دوران پادشاهان گذشته بحرین تا به امروز امری رایج بوده و حتی در دوران معاصر نیز شدت یافته است؛ به‌گونه‌ای که بحرین امروزه بیشترین تعداد روحانی زندانی را دارد (الصالح، ۲۰۱۵: ۶۴).

محدود کردن فعالیت‌های دینی شیعیان، بازداشت روحانیون این مذهب و تلاش برای به حاشیه راندن آنان، سبب شده است تا آل خلیفه به راحتی به ترویج امور غیراخلاقی بپردازد و از این طریق، منبع درآمدی برای خود کسب نماید. بی‌اعتنایی آل خلیفه به مفاهیم و ارزش‌های

۱. طبق آماری که یونسکو منتشر کرده، نرخ سواد در بحرین با رشد ۸٫۴۹٪، از ۶۹٫۸٪ در سال ۱۹۸۱ به ۹۴٫۶٪ در سال ۲۰۱۰ رسیده است:

Bahrain Literacy Adult (+15) rate, last seen (10/07/2017), retrieved from:
<https://knoema.com/atlas/Bahrain/topics/Education/Literacy/Adult-literacy-rate>

دینی، تبدیل شدن منامه به هشتمین شهر فاسد جهان از لحاظ امور غیراخلاقی در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۷۰؛ العلوی، ۲۰۱۴: ۴۴) و کسب جایگاه دومین کشور فاسد جهان در سال ۲۰۱۴، موجب شده تا این کشور در میان مردم کشورهای حاشیه خلیج فارس به «پاریس خلیج» و میان مردم کشورهای غربی، به «هاوایی خاورمیانه» شهرت یابد (Smart Travel, 2017/2/13).

آل خلیفه نیز برای بهره‌وری حداکثری از مسافرت شهروندان کشورهای عربی، به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس به بحرین، اقدام به ساخت هتل‌ها و مراکز فحشای گسترده‌ای دست زده است؛ به گونه‌ای که توریست‌های کشورهای عربی از طریق پل ملک فهد به این کشور آمده تا در برنامه کاباره‌های این مجمع‌الجزایر شرکت کنند (اسلکمن^۱، ۲۰۱۱). گذشته از این، فعالیت نامحدود مراکز خرید و فروش شراب، رقصانه‌ها، میخانه‌ها و نایت کلاب‌ها^۲ به عنوان آزادی در این کشور معرفی می‌شود.

تجاوز به ارزش‌های دینی و گسترش فساد و فحشا در بحرین، باعث تحریک و برانگیخته شدن جنبش‌های مردمی این کشور شده است، در حالی که مردم اصیل بحرین از گذشته مردمی مذهبی و پایبند به آموزه‌های دینی بوده‌اند. این ایمان و اعتقاد به اسلام در برگزاری گسترده مراسم مذهبی و دینی همچون عزاداری برای امام حسین (علیه‌السلام) نمود پیدا می‌کند (المرشد، ۲۰۱۴: ۳۱).

بسته شدن مراکز دینی، مؤسسات فرهنگی شیعی، جلوگیری از فعالیت‌های علمی علمای دین، بازداشت گسترده آنان (المحفوظ، ۲۰۱۵: ۸۷) تحت نظر بودن فعالیت‌های روحانیون و علمای دینی، تخریب مساجد و حسینیه‌ها، جمع‌آوری شعائر دینی از سطح جامعه، گسترش فساد و فحشا و غیره، از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی و ایدئولوژی بحرین است (امیردهی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). پیش از این، همواره جنبش‌های مردمی بحرین رنگ و بوی اسلامی داشت و همراه با نمادهایی همچون پرچم یا حسین (علیه‌السلام)، یا علی (علیه‌السلام) و یا زهرا (سلام‌الله علیها) در تظاهرات خیابانی، مراسم عزاداری، پوشاندن تابوت شهدا با پرچم یا حسین

-
1. Slackman
 2. Night Club

(علیه‌السلام) و اقامه نمازهای جمعه بوده (ابطحی، ۱۳۹۲: ۱۷۱)، اما این هویت هیچ‌گاه به سمت تحجر و اقدامات تروریستی میل نیافته است.

اقدامات حکومت بحرین که خارج از چارچوب دینی و اخلاقی است، نوعی تقابل با هویت دینی اکثریت مردم بحرین به شمار می‌رود. لذا به چالش کشیده شدن هویت دینی مردم بحرین از سوی حکومت این کشور، یکی از مهم‌ترین مواضع اختلاف مردم و حکومت در بحرین است. این امر سبب شده تا بسیاری از مردم مسلمان بحرین، تنها راه‌حل پایان یافتن بحران این کشور را تشکیل حکومت اسلامی بنامند و احیای دوباره شعائر دینی مسلمانان، به ویژه شیعیان را منوط به تشکیل حکومت اسلامی بدانند.

از مهم‌ترین جریان‌های سیاسی که این هدف را دنبال می‌کنند، جریان‌هایی مثل: جریان وفاء اسلامی، جنبش اسلامی آزادگان بحرین^۱ و ائتلاف جوانان ۱۴ فبرایر^۲ است، در حالی که جمعیت الوفاق، مهم‌ترین جریان سیاسی شیعه بحرین، با ترسیم هدف دیگری برای خود و مردم به دنبال تأسیس «پادشاهی مشروطه»^۳ است.

شیخ علی سلمان به عنوان دبیر کل جمعیت الوفاق، در گفتگو با نظام و مردم بحرین بیان داشته که خواهان ایجاد حکومت اسلامی در بحرین نیست، بلکه به دنبال نظام پادشاهی مشروطه است (سلمان، ۲۰۱۷: ۳۳۸؛ الدیری، ۲۰۱۲: ۱۶۲). وی در عصر روز ۱۸ فوریه در میدان لولو حضور یافت و در رابطه با اهداف جنبش سخنرانی ایراد کرد. وی در این سخنرانی اذعان داشت «ما حکومت اسلامی نمی‌خواهیم، ما حکومت دینی نمی‌خواهیم، ما حکومت مدنی متمدن می‌خواهیم». شیخ علی سلمان در این سخنرانی تأسیس حکومت اسلامی در بحرین را نفی نمود و افرادی را که برای سرنگونی نظام آل خلیفه به میدان آمده بودند و جوانانی را که به نیروهای امنیتی پاکستانی‌الاصول نظام بحرین آسیب رسانده بودند، خائن شمرد (الدیری، ۲۰۱۲: ۱۶۲-۱۶۳؛ سلمان، ۲۰۱۷: ۳۵۶).

شیخ علی سلمان با ملاقاتی که با سفیر امریکا در بحرین داشت، با امید کمک امریکا به

۱. حركة احرار البحرين الإسلامية.

۲. ائتلاف شباب ۱۴ فبرایر.

۳. المملكة الدستورية.

تحقق اصلاحات سیاسی از سوی نظام بحرین، سه خواسته امریکا را پذیرفت که عبارتند از: الف) گفتگو با نظام آل خلیفه؛ ب) توقف شعار اسقاط النظام؛ ج) محکوم کردن فعالیت‌های خشونت‌آمیز مردم (الصالح، ۱۳۹۶/۷/۱۳).

سخنان شیخ علی سلمان در مورد برنامه جمعیت الوفاق در خصوص عدم تشکیل حکومت اسلامی و همچنین پذیرش شروط سه‌گانه امریکا، موجب افزایش اختلاف نظر و دودستگی میان رهبران مردمی جنبش و تظاهرات کنندگان شد. بخشی از مردم پرچم‌های دینی به دست گرفتند و خواهان تشکیل حکومتی اسلامی شدند و عده‌ای دیگر تنها حکومت دموکراتیک را هدف خود بیان کردند که ناشی از پیدایش اختلافات درونی در ایدئولوژی جریان‌های سیاسی بود. گفتمان انقلابی خواهان تغییر نظام، گفتمان اصلاح‌طلبی به رهبری جمعیت الوفاق را گفتمانی غرب‌زده می‌دانستند که جهت جلب رضایت کشورهای غربی، به خواسته‌های آنان تن می‌دهد. بسیاری از گروه‌ها و جریان‌های انقلابی که خواهان تغییر نظام بودند، گفتگو با نظام را به مثابه خیانت به مردم بحرین می‌دانستند و بیان می‌کردند که تنها راه حل مشکلات مردم بحرین، اخراج آل خلیفه از بحرین است (اللامی، ۲۰۱۱: ۴۳).

• آسیب‌های درونی برای مردم

حکومت بحرین برای انحراف جنبش و ایجاد دودستگی میان مردم، دست به ایجاد اختلافات ساختگی میان شیعیان و اهل سنت زد تا جنبش ۱۴ فوریه را اختلاف میان شیعه و سنی معرفی کند. حکومت بحرین بعضی از شبه‌نظامیان را به مناطق سنی نشین می‌فرستاد تا از آنجا به سوی مناطق شیعه‌نشین تیراندازی کنند (السندی، ۱۳۹۶: ۵۱ و ۵۹).

نظام بحرین با چنین اقداماتی در پی اختلاف‌افکنی میان شیعیان و اهل سنت است. البته بعضی گروه‌های سیاسی اهل سنت همچون جمعیت وعد^۱ به حمایت از روند جنبش پرداختند و دوشادوش گروه‌های سیاسی شیعه، به ویژه جمعیت الوفاق قرار گرفتند و جنبش به وجود آمده را ملی و مردمی برشمردند. این گروه‌های سیاسی با به دست گرفتن پلاکاردهایی که روی

۱. جمعیت سیاسی وعد، به دبیرکلی ابراهیم شریف، بارزترین جمعیت سیاسی اهل سنت مخالف نظام به شمار می‌رود. فعالیت‌های سیاسی این جمعیت جهت اتحاد میان شیعه و سنی و فعالیت علیه نظام موجب گردید تا دبیرکل آن، در سال ۲۰۱۱ بازداشت شود و به پنج سال زندان محکوم گردد.

آن‌ها شعارهای اتحاد میان شیعه و سنی نوشته شده بود، سعی در کاهش حس اختلاف میان شیعه و سنی داشتند (السندی، ۱۳۹۶: ۱۴۶ و ۲۵۲). با این وجود، نمی‌توان اختلافات ساختگی میان شیعیان و اهل سنت توسط حکومت را به اختلافات بنیادی میان مردم حمل کرد (بی‌نا، ۲۰۱۲: ۲۱).

اما دودستگی دیگری که در جنبش ۱۴ فوریه میان مردم به وجود آمد، زمانی بود که میان مردم بحرین در رابطه با گزینه‌های تغییر نظام یا انجام اصلاحات، اختلافاتی به وجود آمد. این اختلاف نظر میان مردم موجب شد تا در انتخاب مکان و زمان تجمع‌های مهم همچون: محاصره الديوان المالئ، مبنی الإعلام،^۱ قصر الصافریه^۲ یا تحصن در میدان لؤلؤ، بیمارستان السلمانیه یا در مقابل المرفأ المالئ،^۳ میان مردم دودستگی ایجاد شود (بی‌نا، ۲۰۱۲: ۳۶-۳۸).

اختلاف نظر و انشقاق میان گروه‌ها به عنوان یکی از آسیب‌های درونی مردم، زمانی به اوج خود رسید که در رابطه با پذیرش گفتگو با نظام یا رد آن، میان گفتمان اصلاح طلبی و گفتمان انقلابی اختلاف نظر به وجود آمد. این اختلاف نظر میان گفتمان‌ها موجب انشقاق بیشتر میان مردم حاضر در صحنه شد و در نهایت رهاورد آن، به طول انجامیدن و عدم نتیجه بخشی جنبش شد.^۴

• آسیب‌های بیرونی برای رهبری و شبکه نخبگانی (راهبرد نخست دشمن: حفظ هرم قدرت)

کشورهای استعمارگر به ویژه کشورهای غربی، برای اعمال و استمرار سلطه و سیطره خود

۱. ساختمان صدا و سیما.

۲. قصر پادشاه بحرین.

۳. مجتمع تجاری بسیار گران‌قیمت و مشهور در بحرین که هزینه ساخت آن بیش از یک میلیارد دلار شده است و نخست‌وزیر بحرین، به اجبار آن را به قیمت یک و نیم دینار از صاحب آن خریداری کرده است.

۴. کثرت گروه‌ها و جمعیت‌های مختلف در بحرین ذیل دو گفتمان انقلابی و اصلاح طلبی بدین صورت است که گفتمان‌های انقلابی، شامل: تیار الوفاء الإسلامی، ائتلاف شباب ثورة ۱۴ فبرایر، حركة الحریات و الدیمقراطیة، حركة احرار البحرین الإسلامیة، تیار العمل الإسلامی و حركة خلاص است و گفتمان‌های اصلاح طلب نیز متشکل از جمعیه الوفاق الوطنی الإسلامیة، جمعیه العمل الإسلامیة (أمل)، جمعیه الإخاء الوطنی، تجمع القومی الدیمقراطی الوحودی، جمعیه المنبر الدیمقراطی التجمعی و تجمع الوطنی الدیمقراطی است.

جهت حفظ منافع در منطقه یا کشوری خاص، هنگام بروز جنبش، قیام یا انقلاب مردمی، سعی در حفظ هرم‌های اصلی قدرت می‌کنند. این راهبرد معمولاً از طریق به قدرت رساندن عناصر طرفدار خود صورت می‌پذیرد. این نوع واکنش به صورت کامل در قبال جنبش ۱۴ فوریه بحرین قابل مشاهده است؛ به این معنی که کشورهای غربی درصدد حفظ هرم قدرت در بحرین بودند. آنان با هرگونه انتقال قدرت در بحرین مخالفت ورزیدند و سعی کردند تا با دادن وعده‌های پوشالی، همچنان آل خلیفه را در منصب قدرت حفظ کنند. ایالات متحده در جریان اصلاحات خواه بحرین از دبیر کلی شیخ علی سلمان درخواست کرد تا شعار اسقاط النظام^۱ را متوقف سازند. شیخ علی سلمان نیز جهت جلب رضایت و اعتماد امریکا و آل خلیفه، از مردم درخواست کرد تا این شعار را متوقف کنند و به مقابله با نیروهای امنیتی و نظامی آل خلیفه نپردازند (سلمان، ۲۰۱۷: ۳۵۲). اما گروه دیگری از مردم انقلابی خواه به رهبری استاد عبدالوهاب حسین همچنان شعار اسقاط النظام را سر می‌دادند. سفیر امریکا در بحرین از استاد عبدالوهاب حسین، توقف این شعار و آغاز گفتگو با نظام را درخواست کرد، اما وی امریکا را دشمن مردم بحرین و آل خلیفه را نیز غیرقابل اعتماد خواند و درخواست سفیر امریکا را نپذیرفت (السندی، ۱۳۹۶/۵/۷).

• آسیب‌های بیرونی برای ایدئولوژی (راهبرد دوم دشمن: ارائه بدیل‌های انحرافی)

پیشنهاد مدل‌های حکومت از سوی بازیگران متعدد، یکی از عوامل اصلی اختلاف میان جریان‌های سیاسی در جنبش ۱۴ فوریه بحرین بود. گروه‌های انقلابی، خواهان سرنگونی حکومت آل خلیفه و ایجاد حکومت اسلامی بودند. این هدف گروه‌های انقلابی، اندکی پس از تلاش نظام بحرین جهت منتسب کردن جنبش مردمی بحرین به دخالت‌های جمهوری اسلامی ایران، تا حدی تعدیل شد؛ بدین معنی که در آغاز جنبش، بسیاری از مردم مسلمان بحرین شعارهای اسلامی سر داده و پرچم و پلاکاردهایی که حاکی از این درخواست بود را به اهتزاز در آوردند. حکومت بحرین نیز جهت سرکوب این تظاهرات و خواسته‌های مردمی، جنبش را به دلیل مظاهر اسلامی آن، نتیجه دخالت‌های جمهوری اسلامی معرفی کرد و با توسل به تئوری

۱. سرنگونی نظام.

توطئه، به شدت به مقابله با آن پرداخت (سلمان، ۲۰۱۷: ۳۷۱؛ السندی، ۱۳۹۶: ۲۱۴، ۲۳۶؛ العویک، ۲۰۱۲: ۵۳۴؛ شمس‌الدین، ۲۰۱۲: ۵۲۹، ۵۳۱؛ بی‌نا، ۲۰۱۲: ۲۴، ۶۸، ۳۳۴، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۵۴، ۴۷۶؛ بشیر و تفرجی شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۶). این امر سبب شد تا گروه‌های انقلابی اهداف خود را تعدیل کرده و آن را منوط به انتخابات آزاد مردمی کنند، این در حالی بود که جمعیت الوفاق به شدت روی گزینه «پادشاهی مشروطه»^۱ تأکید می‌کرد، چراکه گزینه پادشاهی مشروطه، گزینه مورد حمایت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم بود (الدقاق، ۱۳۹۶/۷/۲۷) البته شیخ عیسی قاسم بنا بر سپهر اندیشه‌ای خود، معتقد به حکومت اسلامی و رهبری پیامبر، امام و فقیه منتخب از سوی آنان بر جامعه است، اما در این مورد خاص، وی گزینه پادشاهی مشروطه را گزینه مطلوب دانست (آیت‌الله قاسم، ۲۰۰۵/۱/۲۱؛ السماک، ۲۰۱۵: ۲۹-۳۰؛ الخضران، ۲۰۱۴: ۱۲۴؛ المرزوق، ۲۰۱۴: ۱۸).

طبق حکومت پادشاهی مشروطه، پادشاه و ولیعهد همچنان بر قدرت باقی می‌مانند و تنها نخست‌وزیر برکنار می‌شد (سلمان، ۲۰۱۷: ۳۶۵). این جهت‌دهی به خواسته گروه‌های سیاسی موجب شد تا شیخ علی سلمان به صورت علنی به مردم بگوید که به دنبال حکومت اسلامی نیست، برای آن برنامه‌ای ندارد و نمی‌خواهد که مردم از یک حکومت استبدادی رها شده و اسیر حکومت محدودیت‌زای دیگری شوند (الراشد، ۱۳۹۶/۶/۱۵؛ الدیری، ۲۰۱۲: ۱۶۲؛ سلمان، ۲۰۱۷: ۸۱). پذیرش چنین نگرشی از سوی گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب شیعه که در تعارض با مبانی و آموزه‌های اسلامی بوده، به معنای بدیل‌های انحرافی برای جنبش مردمی بحرین است.

- آسیب‌های بیرونی برای مردم (راهبرد سوم دشمن: ناامید کردن مردم و پشیمان ساختن مبارزان)

مخالفان جنبش‌های اسلامی در صورت عدم موفقیت در تغییر اهداف مردمی با ارائه بدیل‌های انحرافی، سعی در ناامید کردن مردم و پشیمان ساختن مبارزان از انقلاب‌های جریان بیداری اسلامی می‌کنند. در این راهبرد، ایجاد هرج‌ومرج، حمایت از تروریسم، جنگ داخلی

۱. المملكة الدستورية (الملکیة الدستورية).

میان ملت‌ها و دولت‌های همسایه، حصر اقتصادی، تحریم، بلوکه کردن سرمایه‌های ملی و نیز هجوم‌های تبلیغاتی و غیره به کار گرفته می‌شود.

از اقدامات بسیار رایجی که حکومت بحرین در قبال رهبران و جریان‌های سیاسی جنبش ۱۴ فوریه بحرین به کار گرفت، بلوکه کردن سرمایه‌های آنان و هجوم تبلیغاتی علیه آنان بود. این امر نسبت به همه جریان‌های سیاسی معترض اعمال شد؛ حتی جریان‌هایی که «قانون الجمعیات السیاسیة» را پذیرفته و جمعیت رسمی این کشور به شمار می‌رفتند نیز از این اقدام نظام مصون نبوده و مورد تعدی حکومت آل خلیفه قرار گرفتند.

طبق قانون الجمعیات السیاسیة، هر جمعیت، جریان یا تشکل سیاسی برای به رسمیت شناخته شدن، بایستی تمام اطلاعات خود، اعم از اسامی اعضا، تعداد افراد، آدرس و مشخصات آنان، میزان دارایی اشخاص، میزان و مشخصات دارایی آن گروه و جریان سیاسی در داخل و خارج از کشور را در اختیار نظام قرار دهد (الدفاق، ۲/۴/۱۳۹۶؛ سلمان، ۲۰۱۷: ۱۰۸). اموال و دارایی‌های گروه‌هایی که این قانون را پذیرفته بودند، بایستی از تعدی دولت و حکومت مصون می‌ماند، اما حکومت بحرین اموال جمعیت وعد و جمعیت الوفاق که قانون الجمعیات السیاسیة را امضا کرده بودند را هم مصادره کرد (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۱۰).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با مطالعه جنبش ۱۴ فوریه بحرین و تطبیق آن با الگوی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، این نتیجه به دست آمد که الگوی مذکور در کلیت خود اثبات شده و دارای قابلیت تطبیق بر مورد این جنبش است؛ لکن به دلیل ناتمام بودن جنبش ۱۴ فوریه، تطبیق تمام محورهای شش‌گانه‌ی موجود در الگو، به صورت کامل بر این جنبش قابل استنتاج نیست و در بعضی محورها تفاوت‌هایی با الگوی مذکور وجود دارد. علت این عدم انطباق کامل نیز به طولانی شدن روند جنبش ۱۴ فوریه بحرین و در حال انجام بودن آن، با تأکید بر نظر انقلابیون بازمی‌گردد.

با تکیه بر الگوی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، می‌توان به این نتیجه رسید که این الگو در محورهای زیر قابل تطبیق بر انقلاب ۱۴ فوریه بحرین است:

- آسیب‌های درونی برای رهبری و شبکه نخبگانی
 اختلاف نظر پیرامون گزینه اصلاحات نظام یا سرنگونی آن، موجب ایجاد اختلاف میان رهبر و شبکه نخبگانی جنبش ۱۴ فوریه بحرین شد. پیرامون این موضوع، جریان اصلاح طلب با نگرانی از قدرت نظامی حکومت بحرین و هم‌پیمانان آن، دعوت نظام را پذیرفته و به گفتگو پرداختند، اما جریان انقلابی خواه با نقد این اقدام، نظام را قابل اعتماد ندانست و راهبرد تغییر نظام را در پیش گرفت.
- ورود به مباحث حاشیه‌ای، مذهبی و قومی
 تمسخر فرهنگ، دین، اعتقادات و نگرش گروه‌ها و طوایف مختلف شیعیان توسط بعضی برنامه‌های تلویزیونی بحرین سبب شد تا طوایف و گروه‌های مختلف، به ویژه شیعیان، جهت پاسخگویی به این اقدامات نظام، از روند اصلی جنبش دور شده و به اقدامات حاشیه‌ای همچون نواختن بوق اعتراض به وسیله اتومبیل در خیابان‌ها بپردازند.
- آسیب‌های درونی برای مردم
 اختلاف افکنی میان شیعه و سنی توسط دستگاه سیاسی حاکم در بحرین سبب شد تا مردم این کشور در یک بازه زمانی مشخص به اختلافات قومی و مذهبی بپردازند، در حالی که همه آنان به صورت تقریبی هدف خواسته‌های یکسانی داشتند.
- آسیب‌های بیرونی برای رهبری و شبکه نخبگانی (راهبرد نخست دشمن: حفظ هرم قدرت)
 شیخ علی سلمان با پذیرش دعوت به گفتگو با نظام بحرین از سوی سفارت امریکا در بحرین، در نهایت مردم را به آرامش و ترک شعار سرنگونی نظام دعوت کرد، در حالی که استاد عبدالوهاب حسین، سردمدار گفتمان انقلابی، دعوت سفارت امریکا و احمد الجلبی برای گفتگو با نظام را نپذیرفت. این دو رویکرد متفاوت نخبگان درون جنبش، موجب افزایش شکاف اختلافات و عدم اتحاد در مقابل نظام گردید.

- آسیب‌های بیرونی برای ایدئولوژی (راهبرد دوم دشمن: ارائه بدیل‌های انحرافی)
ارائه گزینه بدیل از سوی نظام آل خلیفه، از عوامل دیگر اختلافات میان دو گفتمان غالب در جنبش ۱۴ فوریه گردید. گفتمان اصلاح‌طلبی، مصلحت مردم و جنبش را در گزینه پادشاهی مشروطه می‌دانست، در صورتی که گفتمان انقلابی خواه، حکومت اسلامی را تنها حکومت مطلوب برای مردم معرفی می‌کرد. برخی از نخبگان گروه‌های سیاسی نیز حکومت مطلوب را منوط به رأی و خواسته مردم می‌دانستند.
محورهایی از الگوی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری که بر جنبش ۱۴ فوریه قابل تطبیق نیست، به شرح ذیل است:
- آسیب‌های درونی برای ایدئولوژی
مردم بحرین در مطالبات اسلام‌گرایانه و حقوق بشر مآبانه خود در جنبش ۱۴ فوریه، از خطر اتخاذ رویکردهای تحجرامیز و آمیختگی اسلام و تحجر به دور بودند و این نیز به سبب برخورداری آنان از سطح دانش بالا و تعامل با محافل علمی و دانشگاهی داخلی و خارجی است.
- آسیب‌های بیرونی برای مردم (راهبرد سوم دشمن: ناامید کردن مردم و پشیمان ساختن مبارزان)
نظام بحرین با تخریب منابع درآمدزایی افراد حاضر در جنبش ۱۴ فوریه، به ویژه شیعیان و با مصادره منابع مالی منقول و غیرمنقول گروه‌های سیاسی، علما و رهبران جنبش، سعی در اعمال فشار اقتصادی و با دستگیری‌های گسترده، سعی در ناامید ساختن مردم دارد، در حالی که مردم این کشور پس از گذشت نزدیک به ۷ سال از این جنبش، همچنان به برگزاری تظاهرات، راهپیمایی‌ها، بستن خیابان‌ها، آتش زدن لاستیک اتومبیل‌ها و مقابله با نیروهای نظامی می‌پردازند که این نشان از زنده بودن انقلاب و امید آنان به پیروزی است.
با مطالعه محوره‌های آسیب‌شناسی جنبش ۱۴ فوریه، این نتیجه حاصل می‌شود که ضعف در محور رهبری این جنبش، موجب به وجود آمدن دیگر آسیب‌های درونی و تقویت آسیب‌های بیرونی شده است. عدم انسجام در مقوله رهبری جنبش و حضور جریان‌ها و جمعیت‌های

سیاسی مختلف که هر یک از آنها در جنبش ۱۴ فوریه به ایفای نقشی خاص پرداختند، عامل اصلی بروز اختلافات و مشکلات در روند جنبش ۱۴ فوریه است.

دو محور «آسیب‌های درونی برای ایدئولوژی» و «آسیب‌های بیرونی برای مردم»، به سبب دارا بودن ماهیت پسینی مطالعه، نیازمند اتمام کامل روند جنبش و مطالعه آن دارد تا میزان تطابق آنان با جنبش مشخص گردد، در حالی که جنبش ۱۴ فوریه بحرین همچنان ادامه داشته و به صورت کامل به پایان نرسیده است.

منابع

ابطحی، سید مصطفی (۱۳۹۲). «تأثیر گفتمان امام خمینی بر بیداری اسلامی ملت‌های مصر، تونس و بحرین». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی. شماره ۷، زمستان ۱۳۹۲: ۱۵۷-۱۷۴.

امیردهی، ع.ر (۱۳۹۰). «سرزمین‌های جهان اسلام، بحرین سرزمین مروارید». فصلنامه اندیشه تقریب. شماره ۲۸، پاییز ۱۳۹۰: ۱۰۵-۱۲۶.

بشیر، حسن و تفرجی شیرازی، محمدتقی (۱۳۹۳). «بحران سازی رسانه‌ای در مدیریت جریان بیداری اسلامی بحرین، تحلیل گفتمان سر مقاله‌های اخبار الخلیج، الشرق الأوسط و نیویورک تایمز». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳: ۱-۲۸.

بی‌نا (۲۰۱۱). «میثاق العمل الوطني». (آخرین بازدید ۱۳۹۶/۷/۱۴)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://yon.ir/RWdDc>

بی‌نا (۲۰۱۱/۲/۲۲). «مظاهرة حاشدة بالمنامة لإسقاط الحكومة». الجزيرة نت. قطر: (آخرین بازدید ۱۳۹۶/۷/۱۱)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://yon.ir/rBYjV>

بی‌نا (۲۰۱۱/۳/۱۴). «ولی العهد يطرح «حكومة تمثل إرادة الشعب» و «نواب كامل الصلاحيات». صحيفة الوسط. بحرین: (آخرین بازدید در ۱۳۹۶/۷/۱۸)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.alwasatnews.com/news/532283.html>

بی‌نا (۲۰۱۲/۲/۲۸). «محتجون يغلقون مقر للحكومة بالبحرين». الجزيرة نت. قطر: (آخرین بازدید ۱۳۹۶/۷/۱۰)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://yon.ir/em4wa>

بی‌نا (۲۰۱۲). «الإحتلال العسكري لمجمع السلمانية الطبي». ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۲، الطبعة الثانية، مرآة البحرين: ۴۴۹-۴۵۷.

بی‌نا (۲۰۱۳). «وثائق تجنيس بحرينية، هويات و جوازات سفر المجنسين في البحرين». مركز دراسات المشارق و المغارب الإستراتيجية.

بی‌نا (۲۰۱۳/۵/۲۰). «البحرین: مفجر الثورة بين عشاقه و محبيه». یوتیوب. (آخرین بازدید در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۴)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://www.youtube.com/watch?v=lbb-a1YNR8g>

بی‌نا (۲۰۱۴). التقرير الشامل حول "الاستفتاء الشعبي" في البحرين، الخطوات- الاهداف- النتائج. الهيئة الوطنية المستقلة، المنامة- البحرين.

بی‌نا (۲۰۱۶). اضطهاد المواطنين الشيعة في البحرين. المؤتمر الدولي لإضطهاد الشيعة في البحرين، بروكسل. حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶). «تحولات بحرين؛ بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲: ۱-۲۵. خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۸۴/۶/۱۱). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۸۹/۱۱/۱۵). خطبه‌های نماز جمعه تهران. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰/۱/۱). بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰/۳/۱۴). بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمة‌الله). تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰/۴/۹). بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰/۶/۲۶). بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۰). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی». تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). ترجمه خطبه عربی نماز جمعه تهران. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۱/۵/۲۲). بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۲/۲/۹). بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.

- خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۲/۷/۲۲). پیام به کنگره عظیم حج. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.
- خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی (۱۳۹۳/۹/۴). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای Khamenei.ir.
- خیامی، عبدالکریم (۱۳۹۲). «به سوی نظریه بیداری اسلامی تحلیل کیفی متن بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی». مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۳۳: ۴۳-۶۶.
- الخضران، عزیز حسن (۲۰۱۴). «النظرة التوحيدية في مشروع الشيخ، مجموعة حوارات مع ملازمی الشيخ في مفاصل حياته المتعاقبة». رسالة القلم، اسلامية ثقافية شاملة، عدد الخاص، حول القائد آیت الله قاسم، العدد الثامن والثلاثون، السنة العاشرة - ربيع الثاني، ۱۴۳۲هـ، ۲۰۱۴ فبراير. مكتبة فلك. قم المقدسة، الجمهورية الإسلامية في إيران: ۵-۳۷.
- الدقاق، عبدالله (۱۳۹۶/۴/۲). «تاريخ شکل‌گیری گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در بحرین». مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
- الدقاق، عبدالله (۱۳۹۶/۷/۲۷). «اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم». مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
- الديري، علی أحمد (۲۰۱۲). «خارج الورق، داخل الميدان». ربيع البحرين، حساد الساحات ۲۰۱۲. الطبعة الثانية، مرآة البحرين: ۱۴۷-۱۷۱.
- الريس، هاني (۲۰۰۹). «حمد بن عيسى، ينجز الجزء الاكبر من التجنيس الطائفي في البحرين». كارثة التجنيس، آراء الكتّاب و المفكرين و المنظمات البحرينية حول التجنيس. الطبعة الأولى، مركز البحرين للدراسات العالمية و الإستراتيجية: ۴۱۱-۴۱۲.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۲). «انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در منطقه: نگاهی آسیب‌شناسانه». تهران: خبرگزاری فارس.
- الراشد، راشد (۱۳۹۶/۶/۱۵). «نقش تيار العمل الإسلامي در جنبش ۱۴ فوریه بحرین». مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
- ربيع، داود (بی‌تا). «جرائم التجنيس و الإبادة في البحرين». دار الصحف للنشر و التوزيع.
- ربيعه، عبدالسلام (بی‌تا). «نفي المواطن البحريني». دار الوطن للطباعة و التسويق، بيروت، لبنان.
- زیدان، الفالح عبدالصمد (۲۰۰۳). «من جرائم المجنسين في جزر البحرين». مركز دراسات المشارق و المغرب الإستراتيجي، ملتقى البحرين.
- النوری، سعید (۱۳۹۵). «گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه». برگردان (ترجمه): علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان. چاپ اول. قم: شهید کاظمی، ۲۱۸-۲۴۷.

- سلمان، علی (۲۰۱۷). «مرافعة وطن، نص مرافعة زعيم المعارضة البحرينية الشيخ على سلمان امام القضاء البحريني». جمعية الوفاق الوطني الإسلامي.
- السماك، غازي عبدالحسن (۲۰۱۵). «إضاءات فكرية من خطابات آية الله قاسم». الطبعة الأولى، دار الفقيه المقاوم، قم.
- السندی، سيد مرتضى (۱۳۹۶). «رنج و امید». برگردان (ترجمه): عليرضا بيگي. چاپ اول. قم: شهيد كاظمي.
- السندی، سيد مرتضى السندی (۱۳۹۶/۵/۷). «نقش تيار الوفاء الإسلامي در جنبش ۱۴ فوریه بحرین». مصاحبه‌کننده عليرضا بيگي، قم.
- شمس الدين، ايمان (۲۰۱۲). «نافذة على خطى الثورة». ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۲. الطبعة الثانية، مرآة البحرين: ۵۲۵-۵۳۱.
- الصالح، عبدالله (۲۰۱۵). «علماء خلف القضبان، المعتقلين الثاني». من إصدارات جمعية العمل الإسلامي، أمل الشعب.
- الصالح، عبدالله (۱۳۹۶/۷/۱۳). «نقش جمعية العمل الإسلامي در جنبش ۱۴ فوریه بحرین». مصاحبه‌کننده عليرضا بيگي، قم.
- عبدالكريم، محسن (۲۰۰۶). «استقلال المؤسسة الدينية في البحرين و محاولة اخضاعها». الطبعة الأولى، دار الصقر للطبع و النشر، بيروت-لبنان.
- العكرى، عبدالنبي (۲۰۱۲). «البحرين، دور الحركة الإسلامية في انتفاضة ۱۴ فبراير». الطبعة الأولى، لندن، مركز البحرين للدراسات في لندن.
- عميد زنجاني، عباسعلي (۱۳۶۷). «انقلاب اسلامي و ریشه‌های آن». تهران: كتاب سياسي.
- العويك، جاسم (۲۰۱۲). «نحن و امريكا». ربيع البحرين، حصاد الساحات ۲۰۱۲. الطبعة الثانية، مرآة البحرين: ۵۳۳-۵۳۵.
- قاسم، آيت الله عيسى (۲۰۰۵/۱/۲۱). خطبة الجمعة (۱۸۳)، بتاريخ ۱۰ ذوالحجّة ۱۴۲۵هـ، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاريخ مشاهدہ ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل مشاهدہ در سامانه ذيل: <http://almuqawim.net/2005/01/1432>
- المحروس، عبدالله عيسى (۱۳۹۵). «گواه ميهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خليفه». برگردان (ترجمه): عليرضا بيگي با همكارى سجاد رفيعيان. چاپ اول. قم: شهيد كاظمي، ۲۸۴-۳۱۳.
- المحفوظ، محمدعلي (۲۰۱۵). «صرخة وطن». الطبعة الأولى، جمعية العمل الإسلامي، «أمل»-البحرين.
- محمدی، منوچهر (۱۳۶۵). «تحليلی بر انقلاب اسلامي». تهران: اميرکبير.
- المرشد، عباس (۲۰۰۹). «التجنيس العسكري نموذجاً «الحلقة الثالثة»، خارطة طريق التجنيس السياسي في البحرين». كارثة التجنيس، آراء الكتاب و المفكرين و المنظمات البحرينية حول التجنيس. الطبعة الأولى، مركز البحرين للدراسات العالمية و الإستراتيجية: ۴۱۷-۴۲۰.

المرشد، عباس (۲۰۱۴). «جدار الصمت: انهيار السلطوية، مدخل توثيقي لثورة ۱۴ فبراير البحرينية». مركز الدراسات و التوثيق، أوال، بيروت، لبنان.

المرزوق، حسين فؤاد (۲۰۱۴). «شذرات من السيرة العطرة للشيخ عيسى أحمد قاسم، مجموعة حوارات مع ملازمي الشيخ في مفاصل حياته المتعاقبة». رسالة القلم، اسلامية ثقافية شاملة، عدد الخاص، حول القائد آيت الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة - ربيع الثاني، ۱۴۳۲هـ، ۲۰۱۴ فبراير. مكتبة فذك، قم المقدسة، الجمهورية الإسلامية في إيران: ۵-۳۷.

مرزوق، عادل (۲۰۱۲). «ثورة اللؤلؤة: الشهادة المحرمة». ربيع البحرين، حساد الساحات ۲۰۱۲. الطبعة الثانية، مرآة البحرين: ۱۸۳-۱۹۳.

مؤمن، عبدالله (۲۰۰۲). «التغيير الديموغرافي في البحرين». الطبعة الأولى، دارالفنون للنشر، بيروت - لبنان. نصرت پناه، محمداصادق و امیدی، مهدی (۱۳۹۶). «الگوی تحلیلی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری». پژوهشنامه انقلاب اسلامی. دوره ۷، شماره ۲۴: ۲۱-۴۲.

نوروزی، ایمان (۱۳۹۵/۱۱/۱۰). «سقوط آل خلیفه در بحرین اوضاع منطقه را متحول خواهد کرد». خبرگزاری فارس. (آخرین بازدید در تاریخ ۱۳۹۶/۴/۱۵)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13951110001249>

CNN, (22/2/2011). "Massive Rally of at least 600000 protesters in Bahrain", available in below link:

<http://ireport.cnn.com/docs/DOC-560232>

Slackman, Michel, (2011). "Bahrain Takes the Stage With a Raucous Protest", The New York Times, Middle East, available in below link:

http://www.nytimes.com/2011/02/16/world/middleeast/16bahrain.html?_r=3&emc=rss&partner=rss&

Smart Travel, (2017). "Bahrain Nightlife-Clubs, Bars & Nightlife Tips", available in below link:

<https://www.smartertravel.com/2017/02/13/bahrain-nightlife-clubs-bars-nightlife-tips/>



An Analysis and Investigation of the Bahrain 2011 Movement on the Basis of the Pathology Model of the Islamic Awakening from the Views of the Supreme Leader

Mohammad Sadegh Nosratpanah *

Mahdi Omidi **

Alireza Beigi ***

This research is intended to analyze Bahrain February 14 movement on the basis of the "pathology model of the Islamic awakening from the view of the Supreme Leader". Focusing on the ideas and statements of the Supreme Leader, the researchers identified the effective components on the pathology of Islamic awakening movements by considering the elements of the success of the Islamic Revolution of Iran. This is a descriptive-analytical study whose data were collected by library method and interviews with elites. The results indicated that by adopting the six axes of pathology derived from this model, including the harms and internal dangers to " leadership and elite network", " "Ideology", "people", and external harms containing three strategies of "opportunism tricks", "incorrect alternatives" and "disappointing people and making the revolutionary people regretful with the February 14 movement", contain the main reasons why the movement has been prolonged. In this way, weakness of the leadership axis, as one of the internal harms, has intensified other internal harms, and has intensified the external troubles by the involvement of international and regional actors such as the United States and Saudi Arabia. Finally, the results of the research indicated that the internal damage of ideology and the external pressure to despair people and make them regret for the victory of the movement have had the least degree of relevance to the mentioned model.

Keywords: *Bahrain, Islamic awakening, February 14 Movement, Bahrain 2011 Revolution, the Supreme Leader*

*Assistant professor in political science, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran.

** Corresponding Author: PhD Candidate in Islamic Education and Political Science, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran

*** PhD candidate in Islamic education and political science, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran